

ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)

۱- عیسی متقی‌زاده*، ۲- سید علاء نقی‌زاده**

۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۱)

چکیده

ارزیابی ترجمه یکی از روش‌های نقد است که به منظور تشخیص سطح کیفی متون ترجمه به کار گرفته می‌شود. معمولاً پس از آنکه متون ترجمه شد، ویراستاران به ارزیابی و تدقیق متون ترجمه می‌پردازند. لذا ویراستار متون ترجمه شده باید به دو زبان مبدأ و مقصد تسلط کافی داشته باشد تا بتواند علاوه بر ویرایش متن مقصد، آن را به لحاظ معادل‌یابی نیز ارزیابی نماید. در این پژوهش، درصدد آن هستیم تا بر اساس الگوی ارزیابی ترجمه خانم کارمن گارسس که به منظور ارزیابی ترجمه متون ادبی و در چهار سطح (واژگانی، دستوری، گفتمان و سبکی) طراحی شده است، به روش توصیفی و تحلیلی، ترجمه عربی پیام رهبر انقلاب به حجاج را ارزیابی نماییم. از جمله یافته‌های پژوهش حاضر این است که تفاوت‌های فرهنگی موجود بین دو زبان فارسی و عربی و معادل‌یابی در سطح واژگانی و دستوری بر اساس این اختلافات، یکی از چالش‌های مهم در فرایند این ترجمه می‌باشد. همچنین، مواردی چون اقتباس و معادل‌یابی واژگانی بر این اساس، قبض و بسط واژگان در زبان مقصد، نیز به کار بردن واژگان عام در برابر خاص و برعکس، تأثیرپذیری از زبان عامیانه و... از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه بوده است.

واژگان کلیدی: ارزیابی، ترجمه ادبی، مدل کارمن گارسس، پیام رهبر انقلاب به حجاج.

* E-mail: motaghizadeh@modares.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: ala_alhashemi@yahoo.com

مقدمه

دانش و توانش ترجمه از طریق فرایند نظریه‌سازی در ذهن نوآموز نهادینه می‌شود و بسط می‌یابد، به طوری که فراگیر از طریق این فرایند، نظریات ترجمه مخصوص به خود را در ذهن پایه‌ریزی می‌کند و صلاحیت ترجمه متون را در موقعیت‌های مختلف کسب می‌نماید. در فرایند ترجمه، مترجم با دو یا چند زبان متفاوت سروکار دارد. لذا باید تمام سطوح (خرد و کلان) زبانی این زبان‌ها را مطالعه و مقایسه کند تا آن‌ها را در متن مبدأ تحلیل، سپس در متن مقصد از نو ترکیب کند. نحوه انتقال از زبان مبدأ به مقصد بسیار مهم است و اخذ فنون و راهبردهای ترجمه را می‌طلبد. هرچند حرفه‌ای شدن مترجمان مبتدی نیاز به کسب «توانش ترجمه» در دنیای واقع و خارج از محیط انتزاعی آموزشی دارد. هدف مرحله آموزش ترجمه در دنیای واقع این است که «مترجم مبتدی توانایی دانش تخصصی، شیوه رفتار بهینه در بازار و کاربرد فناوری‌های ترجمه را در خود شکوفا نماید و به ترتیب، در راه رشد و تعالی خود در دنیای حرفه‌ای گام بردارد» (مبارکی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

۱. بیان مسئله

درک صحیح از مفهوم متن، مهم‌ترین مرحله معادل‌یابی صحیح است و چه بسا که فهم اشتباه از مطلب، معنای یک متن را به طور کلی تغییر دهد. لذا مترجم در وهله اول باید بر اساس فهم درست، نسبت به واژگان و اصطلاحات متن، معادل‌یابی صحیح و دقیقی داشته باشد و آنگاه به مراحل بعدی ترجمه گام بگذارد. با وجود تألیف‌ها و پژوهش‌های فراوان در زمینه آموزش ترجمه از عربی به فارسی و برعکس، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است تا به صورت تخصصی و بر اساس الگوی ارزیابی ترجمه خانم کارمن گارسس، ترجمه متون را از فارسی به عربی ارزیابی کیفی نماید و به مهم‌ترین لغزشگاه‌های مترجمان بپردازد. لذا پژوهش حاضر در پی یافتن روشی مناسب برای حل چالش‌های موجود در سطح واژگانی به هنگام ترجمه متون از فارسی به عربی است. با توجه به مدل گارسس که برای ترجمه متون ادبی طراحی شده است، به نظر می‌رسد که این مدل بتواند برای حل مشکل مذکور نقطه آغازی مناسب باشد. لذا در این پژوهش تلاش خواهیم کرد

تا بر اساس این مدل و به روش توصیفی، ترجمه عربی پیام رهبر معظم انقلاب را که به مناسبت مناسک حج سال ۱۳۹۵ شمسی به حاجیان بیت‌الله الحرام صادر و در سایت رسمی ایشان منتشر شد، ارزیابی کیفی نماییم.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با آموزش مهارت ترجمه متون از عربی به فارسی در ایران، کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های فراوانی تألیف شده‌است، اما در حوزه ارزشیابی کیفی ترجمه، آن هم در حوزه ترجمه متون از فارسی به عربی و بر اساس مدل کارمن گارسس، این پژوهش را می‌توان نخستین تلاش در این زمینه دانست، هرچند در زبان انگلیسی، دو پایان‌نامه ارشد بر اساس مدل گارسس وجود دارد. در ادامه، به برخی کتاب‌ها و مقاله‌هایی که به موضوع پژوهش حاضر نزدیک هستند، اشاره می‌شود:

- غلامی‌بروجی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با تکیه بر مدل کارمن گارسس به بررسی مقابله‌ای ترجمه شمس‌الملوک مصاحب و رضا رضایی از رمان غرور و تعصب از انگلیسی به فارسی پرداخته‌است.

- روشنفکر و دیگران (۱۳۹۲) ۵ پژوهش خود با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک سعی می‌کنند به بررسی و نقد شیوه ترجمه مفاهیم فرهنگی موجود در رمان *الکلاب والکلاب* نجیب محفوظ، از سوی دو مترجم ایرانی پردازند.

- نصیری (۱۳۹۰) در کتاب *روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه‌شده از عربی به فارسی درباره الگوهای مشهور در ارزیابی ترجمه*، اهداف و اهمیت آن سخنی چندان نگفته‌است و به جای آن، به تعاریف ترجمه، معرفی زبان مبدأ و مقصد و... پرداخته‌است. همچنین، در این کتاب، موضوع ارزیابی با روش‌های ترجمه به شدت خلط شده‌است. به همین دلیل، مؤلف به‌وفور از کتاب‌های آموزش ترجمه استفاده کرده، به آن‌ها ارجاع داده‌است. در پایان هم باید گفت که شیوه ارزیابی در این کتاب، روشمند نیست و اساساً در حوزه ترجمه متون از عربی به فارسی است، نه برعکس.

- کتاب *ورشته التعریب اثر طهماسبی و نقی زاده (۱۳۹۰)* تقریباً نخستین تألیفی است که به صورت تخصصی به موضوع ترجمه متون عربی از فارسی به عربی می‌پردازد، نکاتی مهم را در بر می‌گیرد که بیشتر فراگیران فارسی‌زبان و برخی مترجمان (حتی عرب‌زبان) در هنگام ترجمه آن‌ها اشتباه می‌کنند. مؤلفان در این کتاب دربارهٔ رویکرد آموزشی خود سخنی نگفته‌اند که می‌توان آن را از نقاط ضعف دانست.

- یافته‌های عطاران (۲۰۱۰م.) در پژوهش خود با نام «ترجمه متون خبری در سایت‌های ایرانی» مبین آن است که «جرح و تعدیل واژگان» و «حذف کنش‌ها و ویژگی‌های بد گروه خودی»، بیشترین بسامد وقوع در ترجمه داشته‌اند.

- فرزانه (۱۳۸۷) در پایان‌نامهٔ ارشد خود با عنوان *ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴م.)* هدف اصلی پژوهش خود را ارزیابی و مقایسه کیفیت چهار ترجمه از ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر نویسندهٔ معروف آمریکایی، مارک تواین، عنوان نموده‌است و برای این کار، مدل کارمن گارسس را به عنوان چارچوب تحقیق انتخاب کرده‌است.

- هرچند در کتاب *فن ترجمه معروف (۱۳۸۰)* اصطلاحات فراوانی به معنای خاص کلمه به کار نرفته‌است، اما روش‌هایی که برای معادل‌یابی واژگان در آن به کار رفته، مناسب است. اما این کتاب نیز برای ارزشیابی کیفی ترجمه متون از فارسی به عربی الگویی ارائه نمی‌دهد.

- نمونه‌هایی که بکار در کتاب *خود الترجمة الأدبیة (إشکالیات و منزلت) (۲۰۰۱م.)* در بخش لغزشگاه‌های واژگان و ساختار آورده‌است، برگرفته از ترجمه کتاب‌های تاریخی مانند *تاریخ بیهقی و ترجمه شفیع کدکنی* از کتاب *مختارات من الشعر العربی الحدیث و... می‌باشد.*

با توجه به آنچه گذشت، تاکنون پژوهشی مستقل برای ارزیابی متون ترجمه از فارسی به عربی، آن هم بر اساس مدل ارزیابی ترجمه کارمن گارسس انجام نگرفته‌است.

۳. ادبیات نظری

۳-۱) مدل‌های معروف در ارزیابی ترجمه

برای ارزیابی ترجمه، الگوهای متعددی وجود دارد؛ از جمله الگوی آنتوان برمن (Antoine Berman)، مترجم، فیلسوف، مورخ و نظریه‌پرداز فرانسوی که نظریه‌اش درباره عوامل ناموزون‌کننده ترجمه بسیار مورد توجه پژوهشگران حوزه مطالعات ترجمه است. نظریه برمن، نظریه‌ای مبدأگراست و به حفظ اصالت متن اصلی توجه دارد (ر.ک؛ برمن، ۲۰۱۰م: ۷۶). هربرت پُل گرایس (Paul Grice / ۱۹۱۳-۱۹۸۸م.)، نظریه‌پرداز انگلیسی و فیلسوف تحلیل زبانی، اصولی را برای دستیابی به گفتگوی مطلوب معرفی کرد که طرفین کلام باید آن‌ها را رعایت کنند. اصول گرایس که در اصل به منظور دستیابی به یک گفتگوی موفق طرح‌ریزی شده بود، ذیل مبحث تعادل ترجمه‌ای وارد علم مطالعات ترجمه شد (ر.ک؛ صلح‌جو، ۱۳۷۶: ۵۳). خانم جولیان هاوس (Julian House)، زبانشناس و پژوهشگر آلمانی صاحب‌نام مطالعات ترجمه، الگوی ارزیابی ترجمه او را مبتنی بر روش سیاق کلام می‌داند (ر.ک؛ هاوس، ۱۳۸۸: ۴۴). باسل حاتم (Basil Hatim)، پژوهشگر عراقی، دکترای زبانشناسی کاربردی از دانشگاه اکستر (University of Exeter) اسکاتلند در سال ۱۹۹۷ میلادی، به همراه همکار خود در دانشگاه هریوت وات (Heriot watt)، آقای ایان میسون (Ian Mason) الگوی مشترک خود برای ارزیابی ترجمه را ارائه دادند (Hatim, B. & Mason, 1990: 212). تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis) یکی از رویکردهای زبان‌شناسی انتقادی (Critical Linguistics) به شمار می‌رود (ر.ک؛ آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۹). «در اواخر دهه ۱۹۷۹ میلادی گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرایی (Systemic-Functional) هالییدی (Michael Halliday) در دانشگاه ایست آنجلیای (University of East Anglia) انگلستان گرد هم آمدند. ایشان در مطالعات خود درباره کاربرد زبان، رویکرد زبان‌شناسی انتقادی را برگزیدند و در کتاب معروف خود *زبان و کنترل* (Language and Control) (۱۹۷۹م.) برای اولین بار این اصطلاح را به کار بردند که مدل نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) بر اساس آن می‌باشد (ر.ک؛ فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۴). از جمله پرطرفدارترین

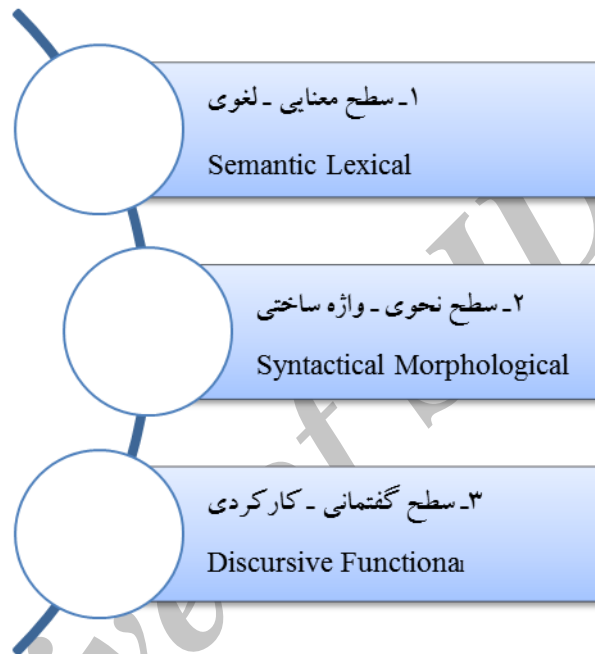
نظریات در زمینه مسائل فرهنگی، نظریه پیترو نیومارک (Peter Newmark) آمریکایی است (ر.ک؛ نیومارک، ۲۰۰۶م.:. ۱۴۹). الگوی پیشنهادی وی برای ارزیابی ترجمه، تکیه فراوانی بر ترجمه عناصر فرهنگی در متن دارد (ر.ک؛ روشنفکر، ۱۳۹۲: ۱۹).

۲-۳) مدل کارمن گارسس

خانم کارمن والرو گارسس (Carmen Valero Garcés) متولد ۱۹۵۸ میلادی در اسپانیا، استاد تمام دانشگاه آلكالا (University of Alcalá) در شهر مادرید است. وی مدرک دکترای مطالعات زبان انگلیسی از دانشگاه زاراگوزا (University of Zaragoza) دارد و عضو انجمن زبان‌شناسی کاربردی اسپانیا است. همچنین، وی مدیر برنامه آموزش ترجمه و ترجمه فوری در کشور اسپانیا، استاد ارتباطات بین فرهنگی، عضو انجمن مطالعات آمریکا-اسپانیا، هماهنگ کننده گروه پژوهشی FITISPos®، عضو شبکه اروپایی کارشناسی ارشد ترجمه DGT، عضو مؤسس شبکه INFORM و مسئول برگزاری کنفرانس جهانی ترجمه از ۱۹۹۵ میلادی تا کنون می‌باشد (<http://www.uah.es/es/estudios/profesor/M.-Carmen-Valero-Garces>).

گارسس در سال ۱۹۹۴ میلادی، الگوی پیشنهادی خود را برای ارزیابی ترجمه ارائه کرد. وی در الگوی خود به نظریات زبان‌شناسان و نظریه پردازان ترجمه، همچون پیترو نیومارک نظر داشته است. گارسس برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد چهار سطح پیشنهاد می‌کند که به گفته خود او، گاهی این سطوح با هم تداخل دارند (Garcés, 1994: 79). این چهار سطح عبارتند است:

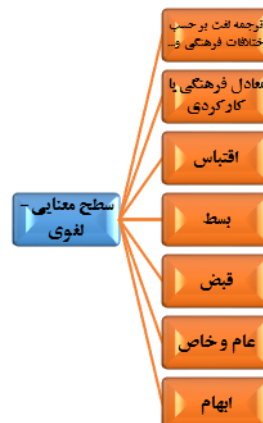
نمودار ۱: چهار سطح مدل ارزیابی ترجمه کارمن گارسس (همان: ۷۹ و ۸۰)



۴. یافته‌های پژوهش (تطبيق کاربردی مدل در ترجمه متون از عربی به فارسی و برعکس)

در اینجا عناصر چهار سطح الگوی کارمن گارسس را به صورت تطبیقی و کاربردی در دو متن فارسی و ترجمه عربی آن توضیح، و متن ترجمه شده را بر اساس این مدل ارزیابی خواهیم داد:

نمودار ۲: سطح اول: معنایی - لغوی (ر.ک؛ همان: ۸۰ و ۸۱)



الف) ترجمه لغت بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی و زبانی: به معنای بیان معنی واژه است به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفتی. در این روش، اطلاعاتی که بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند، به تعریف لغت اضافه می‌شود (Garcés, 1994: 81).

در این فریضة بی نظیر، امنیت زمان و مکان همچون نشانه‌ای آشکار و ستاره‌ای درخشان، دل انسان‌ها را آرامش می‌بخشد: فی هذه الفریضة المنقطعة النظیر، یطمئن أمنُ الزمان و المكان قلوب الناس كعلامة بیّنة و نجم لامع».

در این جمله، مترجم تحت تأثیر ادبیات جمله فارسی قرار گرفته است و نتوانسته مراد و مقصود گوینده را آن گونه که باید و شاید برساند، به طوری که خواننده متن عربی ترجمه شده نمی‌تواند بفهمد که مقصود گوینده چه بوده است. لذا با کمی بررسی جمله فارسی درمی‌یابیم که مقصود گوینده این است که امنیتی که در زمان موسم حج و مکان مقدسی همچون مسجد الحرام وجود دارد، دل‌های انسان‌ها را آرامش می‌بخشد، همچون کسانی که در شب تاریک راه را گم کرده‌اند و با دیدن نشانه‌ها و ستاره‌هایی دوباره راه را می‌یابند و احساس امنیت و آرامش می‌کنند (که اشاره‌ای به آیه ۱۶ سوره نحل است: وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ). لذا در ترجمه عربی آن باید گفت:

«فی هذه الفریضة الفریدة، یبعث الأمنُ المتمثل فی الزمانِ (موسم الحج) و المكانِ (الأرض المقدسة) الطمأنينة فی قلوب الناس، كالعلاّمات الواضحة و النجوم الساطعة (التي تبعث السکينة فی قلوب الذین یهتدون بها فی اللیل).

ب) معادل فرهنگی یا کارکردی (Cultural or Functional Equivalent): واژه فرهنگی یا کارکردی زبان مبدأ با مشابه آن در زبان مقصد جایگزین می‌شود: معادل کارکردی A-Level در فارسی "دیپلم"، در عربی "بکالوریوس"، در فرانسه Baccalaureate است (Newmark, 1981: 32).

این دو روش ترجمه (ترجمه لغت برحسب اختلافات فرهنگی، فنی، زبانی و معادل فرهنگی یا کارکردی) معمولاً واژه زبان مبدأ را عام یا فرهنگ‌زدایی می‌نمایند و گاهی معانی جدید بدان می‌افزایند یا از آن می‌کاهند. اگر آن را یک‌به‌یک ترجمه کنیم، حاصل آن، «کم‌برگردان» (Undertranslation) است و اگر یک‌به‌دو، «بیش‌برگردان» (Overtranslation). این دو روش به‌ویژه در متون نمایشی حساس هستند، چون تأثیر آنی ایجاد می‌کنند. برای ترجمه کامل آن‌ها باید از روش تشبیه (Couplet) استفاده کرد؛ یعنی دو روش ترجمه را ترکیب کرد (Newmark, 1998: 83).

ج) اقتباس (Adaptation): اقتباس یا معنی نزدیک، به کار بردن معادل جاافتاده است. در این شیوه، پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد و برای ترجمه اصطلاحات یا نهادهای فرهنگی مفید است (Garcés, 1994: 81)؛ مانند Faithfully Yours = تقدیم با احترام / مع فائق الاحترام یا See You Later = خداحافظ / إلى اللقاء.

* «که در آن، چند هزار نفر در روز عید (...) مظلومانه جان باختند: التي قضی فیها عدة آلاف نحبهم مظلومین فی یوم العید».

در اینجا، مترجم فعل را از آیه ۲۳ سوره احزاب اقتباس نموده است: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ».

* «حکام سعودی که امسال صدّ عن سبیل اللّٰه و المسجد الحرام کرده: الحکام السعودیون الذّین صدّوا هذه السنّة عن سبیل الله والمسجد الحرام».

در اینجا نیز مترجم به تبع متن اصلی، عبارت مشخص شده را از آیه ۲۵ سوره حج اقتباس نموده است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾.

د) بسط نحوی (Grammatical Expansion): افزودن یک یا چند کلمه به ضرورت است؛ یعنی مفهومی که در متن مبدأ به‌تلویح بیان شده، باید در زبان مقصد تصریح کرد (ر.ک؛ همان: ۸۱).

* «با نهایت بی‌شرمی و وقاحت، حتی از تشکیل هیئت حقیقت‌یاب بین‌الملل اسلامی نیز سر باز زدند: تملّصوا بمنتھی الوقاحة و عدم الخجل حتی من تشکیل هیئة تقصی حقائق دولية إسلامية».

در اینجا، مترجم واژه «بی‌شرمی» را که در فارسی یک کلمه به شمار می‌رود، به دو کلمه در عربی «عدم الخجل» برگردانده‌است، هرچند مترجم در اینکار دقیق نبوده‌است و باید آن را به صورت زیر ترجمه می‌نمود: «تملّصوا بمنتھی الوقاحة والصلافة حتی من تشکیل لجنة دولية إسلامية لتقصی الحقائق».

هـ) قبض نحوی (Grammatical Reduction): عکس شیوه فوق است که نظریه پردازان ترجمه هر کدام آن را اصطلاحی داده‌اند؛ مثل One -Equivalent - to - Multiple (نایدا) یا Concentration یا Contraction (نیومارک) و آن، به کار بردن یک واژه زبان مقصد است، در برابر چند واژه زبان مبدأ؛ مثل بهداشت = to Keep the State of Health که در برابر کلمه واحد فارسی شش کلمه انگلیسی آمده‌است. یا = Linguistics Science Linguistique که در برابر دو کلمه فرانسه یک کلمه انگلیسی آمده‌است (Newmark, 1988: 90).

* «و دشمنی و کینه خود با ملت مؤمن و انقلابی ایران را در زیر عنوان سیاسی کردن حج پنهان ساخته‌اند: و یخفون عداؤهم و حقدهم علی الشعب الإيراني المؤمن الثوری وراء عنوان تسییس الحج».

* «اندکی پیش از آن در مسجدالحرام نیز جمعی در حال عبادت و در طواف و نماز به خاک و خون کشیده شدند: وقبل ذلك بفترة وجيزة تضرّج عددٌ من الناس فی المسجدالحرام بدمائهم وهم فی حال عبادة وطواف وصلاة».

* «کوتاهی در این وظیفه، آینده امت اسلامی را با مشکلات بزرگتری مواجه خواهد ساخت: التقصیر فی هذا الواجب سيعرض الأمة الإسلامية مستقبلاً لمشاكل أكبر».

در موارد فوق می‌بینیم که تعداد واژه‌ها در متون ترجمه شده کمتر شده‌است.

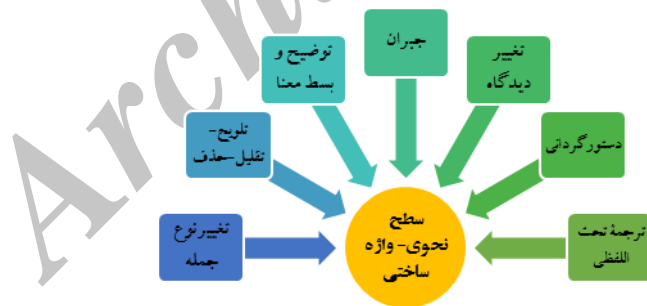
(و) ابهام (Ambiguity): گاهی در ترجمه، ابهام پیش می آید، به ویژه در زبان های مقصدی که فاقد ضمائر سوم شخص مؤنث و مذکر (His\ Her, He\ She) می باشند که مترجم باید در رفع آن بکوشد. ابهام ممکن است عمدی یا سهوی باشد. اگر عمدی باشد، باید آن را به زبان مقصد انتقال داد، ولی اگر سهوی باشد، باید آن را برطرف کرد (Newmark, 1988: 206-207).

* «باید به سبب رفتار ظالمانه آنان با ضیوف الرّحمان، فکری اساسی برای مدیریت حرمین شریفین و مسئله حج بکنند: و علیهم أن یفکروا تفکیراً جاداً بحل لإدارة الحرمین الشریفین و قضیة الحج بسبب سلوکهم الظالم ضد ضیوف الرحمن».

در ترجمه عربی مشخص نیست که ضمیر «هم» در «سلوکهم» به چه کسانی برمی گردد؛ حکام سعودی یا جهان اسلام. لذا در ترجمه دقیق باید گفت:

«وعلیهم أن یفکروا تفکیراً جاداً بحل لإدارة الحرمین الشریفین و قضیة الحج به سبب سلوک هؤلاء الحکام الظالم مع ضیوف الرحمن».

نمودار ۳. سطح دوم: نحوی - واژه ساختی (Garcés, 1994: 81-81)



الف) ترجمه تحت اللفظی (Literal Translation): نیومارک ترجمه تحت اللفظی واژه به واژه، عبارت به عبارت، همانند (Collocation) به همانند، شبه جمله به شبه جمله،

جمله به جمله، حتی استعاره به استعاره و ضرب‌المثل به ضرب‌المثل را ممکن و مطلوب می‌داند (Newmark, 1988: 69). گارسس معتقد است که وقتی این شیوه از حدّ واژه فراتر رود، رفته‌رفته کار مشکل‌تر می‌شود (Garcés, 1994: 81). نیومارک بین ترجمه تحت‌اللفظی (Word-for-Word) و ترجمه یک به یک (One-to-One) تمایز قائل می‌شود: شیوه اول، نحوه ترتیب واژگان و معنی اصلی لغت زبان مبدأ را انتقال می‌دهد و معمولاً درباره جملات کوتاه، خنثی و ساده کاربرد دارد. در شیوه دوم هر لغت زبان مبدأ، واژه مشابهی در زبان مقصد دارد، اما معنی اصلی آن‌ها متفاوت است (ر.ک؛ همان: ۸۲). همچنین، نیومارک معتقد است که ترجمه یک به یک از ترجمه تحت‌اللفظی مرسوم‌تر می‌باشد. وقتی ترجمه تحت‌اللفظی به علت اختلاف فرهنگ مسئله‌ساز شود، باید از آن پرهیز کرد (ر.ک؛ همان).

* «حکام سعودی در هر دو حادثه مقصّرند: الحکام السعودیون مقصّرون فی کلّتا الحادّثین».

در اینجا، مترجم تحت تأثیر زبان مبدأ قرار گرفته‌است و در ترجمه واژه «مقصّرند» اشتباه کرده، آن را به همان شکل ترجمه نموده‌است، در حالی که منظور از «مقصّرند» در متن فارسی، «گناهکار» یعنی «مذنب» است. در فارسی، وقتی می‌گوییم فلانی در این حادثه مقصر است، در واقع، یعنی خطا کار یا گناهکار است (البته برحسب نوع حادثه). در این حادثه، چون هولناک بوده‌است و چند هزار نفر جان خود را باختند و این به دلیل کوتاهی نمودن سعودی‌ها بوده‌است، لذا گناهکار بودن سعودی‌ها در نظر است؛ یعنی «مذنبون» و نه کوتاهی نمودن آن‌ها: «الحکام السعودیون متّهمون فی کلّتا الحادّثین».

* «و گمان عمدی بودن حادثه نیز از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شد: و قد طرحَ ظنونٌ من قِبَلِ بعضِ المختصّین حولِ عمدیة الحادث».

با کمی تأمل در ترجمه عربی، درمی‌یابیم که مترجم از جمله فارسی تأثیر پذیرفته‌است، به طوری که معادل فعل «مطرح شد» فعل «طرحت» را آورده‌است و در برابر واژه «گمان» معادل «ظنون» را به کار برده که در نتیجه، ترجمه عربی را غیرفصیح نموده‌است. این در

حالی است که دقت در معادل این مفهوم در زبان مقصد، ما را به ترجمه زیر رهنمون می‌کند: «وقد رجَّح بعض المختصين أنَّ الحادث مقصود».

«سیاست‌بازان از خدا بی‌خبرند: هم متلاعبون سیاسیون لا يعرفون الله».

مترجم در ترجمه این دو اصطلاح نیز تحت‌اللفظی عمل کرده، از زبان مبدأ تأثیر پذیرفته است، در حالی که در اصطلاحات سیاسی، برای کسانی که سیاست‌بازی می‌کنند و می‌خواهند سیاست خود را از طریق فریب و حيله پیش ببرند، اصطلاح «سماسرة السياسة» استفاده می‌شود. همچنین، در ترجمه اصطلاح «از خدا بی‌خبر» نیز دقت نشده است و تحت‌اللفظی ترجمه گردیده است. لذا در ترجمه این دو اصطلاح می‌توان گفت: «هم سماسرة السياسة غافلون عن الله».

ب) ترجمه از طریق تغییر نحو: گاهی مترجم ناگزیر است اجزای کلام را تغییر دهد. اصولاً وقتی ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستورگردانی (Transposition) انجام می‌گیرد که:

- ۱- ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد.
 - ۲- ترجمه تحت‌اللفظی امکان‌پذیر باشد، اما طبیعی جلوه نکند.
 - ۳- خلاء واژگانی (Lexical Gap) موجود با ساخت نحوی جبران‌پذیر باشد.
- آنچه در این شیوه نباید از نظر دور داشت، اینکه تغییر نحو نباید موجب جابه‌جایی تأکید جمله شود (Newmark, 1988: 85-88).

«سیاست‌بازان از خدا بی‌خبری (اسم): هم سماسرة السياسة لا ایمان لهم بالله» (مضاف و مضاف‌إلیه).

«و واقعیت هتاک و بی‌ایمان و وابسته و مادی آنان را به‌درستی درک کنند» (صفت).

«و یدرک بنحو صحیح حقیقتهم الهتاکة غیر المؤمنة التابعة المادية».

در اینجا، مترجم گرفتار ترجمه تحت‌اللفظی شده‌است و واژه «هتاک» را به همان صورت صفت ترجمه کرده که در نتیجه، متن ترجمه شده را غیرفصیح نموده‌است. لذا بهتر است که به صورت مصدر ترجمه شود: «وَأَنْ يَدْرِكُوا جِذَا حَقِيقَتَهُمْ فِي إِنْتِهَاكِ الْحَرَمَاتِ وَاللَّيْمَانِيَةِ وَالْعَمَالَةَ وَتَمَسُّكِهِم بِالْمَادِيَاتِ» (شبه جمله).

ج) ترجمه از طریق تغییر دیدگاه یا دگرینی (Modulation): این اصطلاح از وینی (Vinay) و داربلنه (Darblenet) است و به مفهوم «تغییر از طریق اختلاف طرز تلقی و بیشتر طرز تفکر» به کار می‌رود (ر.ک؛ همان: ۸۸). کاربرد آن در مواردی است که «زبان مقصد ترجمه تحت‌اللفظی را بر نمی‌تابد» (همان).

جایی که مترجم بین کاربرد یا عدم کاربرد دگرینی مختار باشد، باید صرفاً در مواردی بدان دست بزند که در غیر این صورت، ترجمه را غیرطبیعی می‌نماید. *It will not seem unlikely that* را می‌توان به این روش ترجمه کرد: «نامحتمل نیست که» یا «احتمال دارد که». در صورتی که *Let it be known that* طبیعی‌تر است که «پوشید نماند که» ترجمه کنیم. دگرینی‌های دیگری وجود دارد؛ مثل *علائق گوناگون مجاز، از جمله گل به جز، جز به گل، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم، عموم به خصوص، مسبب به سبب، کان و مایکون، لازم و ملزوم و...*

د) جبران (Compensation): عبارتست از جبران افت معنی، لفظ یا صناعات ادبی یا تأثیر عملی در قسمت دیگر جمله یا جمله مجاور (ر.ک؛ همان: ۹۰)؛ مثلاً جبران یکی از صنایع معنوی یا لفظی دیگر- ترجمه استعاره با تشبیه یا اکفا (Assonance) با استناد (Consonance) یا قافیه با جناس استهلالی (Alliteration). گارسس معتقد است که این شیوه را باید همراه با شیوه‌های دیگر به کار گرفت (Garcés, 1994: 82).

ه) توضیح یا بسط معنی قسمتی از متن که باید در متن مقصد تصریح شود» (همان). این بسط معنوی مثل بسط و قبض نحوی، گاهی به صورت شمی و حسی انجام می‌گیرد و گاهی به صورت موردی. بسط و قبض، خاص همه زبان‌هاست، به‌ویژه در حیطة لغات «وفور فرهنگی» (Cultural-Focus Words).

وقتی جامعه‌ای توجه خود را به موضوعی معطوف دارد، به آن «وفور فرهنگی» می‌گویند؛ مثلاً انگلیسی‌ها دربارهٔ چوگان و اژگان فراوانی دارند، فرانسوی‌ها دربارهٔ مشروب و پنیر، آلمانی‌ها دربارهٔ سوسیس، اسپانیولی‌ها دربارهٔ گاو‌بازی، عرب‌ها در باب شتر، اسکیموها دربارهٔ برف و... (Newmark, 1988: 94).

* «عظمت امت اسلامی و اتکای آنان به قدرت لایزال الهی را به رخ بدخواهان و دشمنان می‌کشد: و يستعرض عظمة الأمة الإسلامية و اتكالها على القدرة الإلهية الأبدية أمام أنظار الأعداء و ذوى الطوية السيئة».

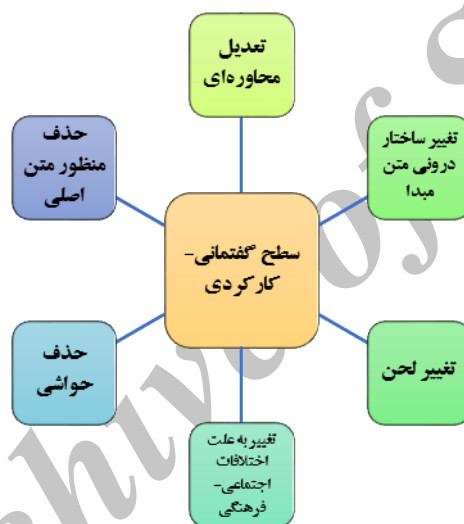
بر اساس آنچه گفته شد، در اینجا اصطلاح «به رخ کشیدن» به «استعراض» و واژه «بدخواهان» به «ذوی الطویة السیئة» ترجمه شده است، هر چند بهتر بود واژه اخیر به «ذوی النوايا السیئة» ترجمه می‌شد.

(و) تلویح (Implication)، تقلیل (Reduction)، حذف (Omission): عکس قسمت سطح دوم، شماره ۵ است؛ یعنی عناصری را که در متن اصلی تصریح شده، می‌توان به تلویح بیان کرد یا کاهش داد یا به طور کلی حذف کرد (Garcés, 1994: 149). نیومارک معتقد است: مترجم باید در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند، پاسخگو باشد (Newmark, 1981: 169)، اما می‌تواند در متون غیر موثق (نامعتبر) (Unauthoritative)، اطلاعی (Informational) و کم‌مایه، حشویات را حذف کند و یا تقلیل دهد. اقلامی که مترجم مجاز به حذف آن‌ها در این متون می‌باشد، عبارت است از زبان حرفه‌ای (Jargon)، مشروط بر آنکه به قصد تأکید به کار نرفته باشد. تبدیل افعال مرکب (Filler Verbs) به ساده، در جاهایی که اختلاف معنی جزئی باشد، کلیشه‌ها اعم از: آوایی (Safe and Sound)، صناعی (The long run of the history) (As ugly as a sin) و استیناسی (Honestly, Seriously, believe me, You know, of course, obviously) (همان، ۱۹۸۱م: ۱۴۹-۱۶۹). در فارسی، قیودی مثل «طبعاً»، «طبیعتاً»، «البته»، «حتماً»، «اساساً»، «اصولاً» و... .

* «و میهمانان خدای رحمان را در روز عید در منا و پیش از آن در مسجدالحرام قربانی کرده‌اند: وقتلوا ضیوف الله الرَّحْمَن فی یوم العید فی منی».

در ترجمه عربی، واژه «خدای» نیز ترجمه شده است که در عربی، اصطلاح «ضیوف الرحمن» رایج است نه «ضیوف الله الرحمن». لذا باید واژه «الله» را چنین ترجمه کرد: «وقتلوا ضیوف الرحمن فی یوم العید فی منی».

نمودار ۴: سطح سوم: گفتمانی- کارکردی (Garcés, 1994: 82-83)



الف) حذف منظور متن اصلی: گاهی ممکن است چنان تغییری در ترجمه حاصل شود که مقصود متن اصلی تغییر کند؛ مثلاً یک متن طنزآمیز تبدیل به متنی سرگرم کننده شود. «سفرهای گالیور» که در اصل به قصد تمسخر نظام سیاسی انگلیس نوشته شده بود، به صورت قصه کودکان درآمد؛ یعنی متنی انگیزنده (Persuasive) و عمل طلب (Pragmatic) به هیئت متنی روایی (Narrative) درآمد، یا کارگفت‌های (Speech Acts) متن اصلی تغییر کرد. تشخیص کارگفت‌ها در درون یک زبان، کاری مشکل است، چه رسد به بین زبان‌ها. مثال بارز آن: «این حرفی که می‌زنی، تهدید است یا قول؟». کارگفت‌های غیرمستقیمی داریم که تشخیص آن‌ها از این هم مشکل تر است؛ مثلاً در تهکم (Irony)، عکس آنچه می‌گوییم، در نظر داریم؛ مثال: «چه به موقع آمدی!». در این

مثال، منظور این است که «آن قدر دیر کرده‌اید که کار از کار گذشته است». یا در پیشنهادهای غیر مستقیم (Insinuations) مثل: «Can you tell me the time?» که مساوی است با «What time is it?».

به هر حال، به عقیده نیومارک، مترجم نباید مؤلف و مخاطب را از نظر دور بدارد، مگر آنکه برای مخاطبی دیگر و زمینه‌ای دیگر ترجمه کند. همچنین، مترجم می‌تواند و باید تغییرات انجام شده در متن را توجیه کند (Newmark, 1988: 212).

ب) حذف حواشی: عبارت است از حذف پانوشته‌ها، پیشگفتارها، ضمیمه‌ها، مقدمات، مؤخرات، توضیحات، کتاب‌شناسی، استدراکات، فهرست، اعلام و... که در ترجمه از زبان‌های دیگر به فارسی بسیار رایج است.

ج) تغییر به علت اختلافات اجتماعی- فرهنگی: جوری لاتمن (Juri Lotman/ ۱۹۷۸م). اظهار می‌دارد که «هیچ زبانی وجود ندارد، مگر اینکه در زمینه فرهنگ غوطه‌ور است و هیچ فرهنگی نمی‌تواند وجود داشته باشد که در مرکز خود، ساخت زبان طبیعی را نداشته باشد» (محمدی، ۱۳۸۹م: ۸۲). روش‌هایی که نیومارک در این زمینه طرح می‌کند، مصداق این موضوع است.

د) تغییر لحن: حفظ لحن یکی از ارکان تأثیر ارتباطی است و باید از طریق زمان (Tense)، وجه (Mood)، بنا (Voice)، واژگان (Lexis) و نحو (Grammar) آن را حفظ کرد.

ه) تغییر ساختار درونی متن مبدأ: یعنی تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تأکیدها، تغییر علائم متن به طوری که در معنا تأثیرگذار باشد، تغییر منظور نهایی متن اصلی.

و) تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای: یعنی کاستن از اصطلاحات محاوره‌ای که در قسمت سطح دوم شماره ۶ درباره آن بحث کردیم.

نمودار ۵: سطح چهارم: سبکی- عملی (Garcés, 1994: 83)



الف) بیان نامناسب اصطلاحات در متن مقصد: هر اصطلاح پنج جنبه مختلف معنایی دارد: ۱- معنای مجازی. ۲- معنای تحت‌اللفظی. ۳- ویژگی‌های عاطفی. ۴- خصوصیات سبکی. ۵- رنگ و بوی ملی و قومی که هر یک در انتخاب معادل مناسب، قیودی را بر مترجم تحمیل می‌نمایند (ر.ک؛ تجلی، ۱۳۶۸: ۱۰۵). مترجم باید این جنبه‌ها را مد نظر کار خود قرار دهد.

* «و کوتاه شدن دست مستکبران و صهیونیست‌ها و سرسپردگان آن‌ها از امت اسلامی: و تقصیر ایدی المستکبرین و الصهاینة و عملائهم عن الأمة الإسلامية».

مترجم گرامی در اینجا نیز تحت تأثیر زبان مبدأ قرار گرفته است و اصطلاح «کوتاه شدن دست کسی» را به صورت تحت‌اللفظی «تقصیر ایدی» ترجمه نموده است، در حالی که ترجمه ارتباطی و صحیح آن، «قطع الید» یا «تقلیم الأظافر» می‌باشد: «وقطع ایدی (أو تقلیم أظافر) المستکبرین والصهاینة و عملائهم عن الأمة الإسلامية».

ب) حفظ ساختارهای نوعی زبان مبدأ: اغلب مترجمان کم‌تجربه جادوی نحو زبان مبدأ می‌شوند و آن را در زبان مقصد منعکس می‌نمایند؛ مانند ترجمه جمله زیر که شرح آن پیش از این ذکر شد: «در این فریضه بی نظیر، امنیت زمان و مکان، همچون

نشانه‌ای آشکار و ستاره‌ای درخشان، دل انسان‌ها را آرامش می‌بخشد: فی هذه الفریضة المنقطعة النظیر، یطمئنُ أمنُ الزمانِ و المكانِ قلوبَ الناسِ كعلامةِ بینة و نجم لامع».

ج) حفظ اسامی خاص یا معادل در متن مقصد: نام‌ها در دو زبان عربی و فارسی دو گونه‌اند: یا در دو زبان به یک شکل نوشته می‌شوند؛ مانند «علی»، «منصور» و «محمد»، یا مختلف‌اند؛ مانند «گورباچف» و «نروژ» که در زبان عربی به شکل «غرباتشوف» و «النرویج» نوشته می‌شوند. بیشتر تفاوت‌ها در شکل حروف است؛ چراکه در زبان عربی، چهار حرف (گ، چ، پ، ژ) فارسی یا (CH، V) انگلیسی وجود ندارد و به جای آن‌ها، معادل (غ، ج، ک، ج، تش، ب، ج، ف و...) نوشته می‌شود. گاهی باید اسم خاص را ترجمه کرد، گاهی باید مستقیماً انتقال داد و در مواردی باید به همراه معنی یا توضیح آورد.

* «و یمن و عراق و شام و لیبی و برخی دیگر از کشورها را به خون آغشته‌اند (برخی کشورها «ال» می‌گیرند، برخی نه): و راحوا یغرقون الیمن و العراق و الشام و لیبیا و بلدان آخری فی الدماء».

در زبان عربی، بر اساس سماعی بودن، نام برخی کشورها «ال» می‌گیرد، برخی نه که در موارد فوق دیده می‌شود. همچنین، رسم الخط کشور لیبی نیز در زبان عربی تفاوت دارد.

* «حجّ ابراهیمی که اسلام به مسلمانان هدیه کرده‌است، مظهر عزّت و معنویت و وحدت و شکوه است: الحجّ الإبراهیمی الذی أهداه الإسلام للمسلمین هو مظهر العزّة والمعنویة والوحدة والعظمة».

نام‌های (عزت، معنویت و وحدت) در زبان عربی، «ال» گرفته‌است و «ت» مبسوطه به «ة» مربوط تبدیل شده‌است.

ز) اشتباه مترجم: ناشی از بدفهمی یا کم‌دانی او در زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است. متأسفانه در ایران، فراوان از این نوع مترجمان داریم و کمتر مترجمی است

که در هر سه رشته توانا باشد. همان طور که ماک گوایر گفته است: «چون زبان بیان‌کننده فرهنگ است، مترجم باید دو فرهنگ باشد، نه دوزبانه» (Garcés, 1994: 83).

* «تعلل و کوتاهی (...). نیز قطعی و مسلم است: و من المؤکد و القطعی وجود تعلل و تقصیر».

دقت نکردن در معادل‌یابی واژگانی چون «تعلل» و «مسلم»، باعث شده است تا مترجم نتواند مفهوم دقیق را در ترجمه عربی متن فارسی ارائه نماید. «تعلل» در فارسی، به معنای «درنگ و تأخیر کردن در کاری» است، در حالی که این واژه در زبان عربی، به معنی «خود را سرگرم کاری کردن» است که نمی‌تواند برای واژه «تعلل» در فارسی معادلی دقیق باشد. لذا برای معادل آن در عربی، می‌توان واژه «تقاعس» و «توانی» را به کار برد. همچنین، درباره واژه «مسلم» که مترجم برای آن، معادل «القطعی» را آورده است، دقیق نیست و دقیق‌تر آن، «الواضح» می‌باشد: «ومن المؤکد والواضح وجود تقاعس و تقصیر».

* «مردان قسی‌القلب و جنایت‌کار سعودی، آنان را با جان‌باختگان در کانتینرهای دربسته محبوس ساختند: لقد زجهم الرجال السعودیون المجرمون القساة القلوب مع الموتی فی کانتینرات مغلقة».

در اینجا، مترجم واژه «کانتینر» را معادل فارسی آن قرار داده است که در عربی، واژه «حاویة» و «حاویات» برای آن مناسب‌تر است: «لقد زجهم الرجال السعودیون المجرمون القساة القلوب مع الموتی فی حاویات مغلقة».

* «امسال جای حج‌جاش مشتاق و بااخلاص ایرانی در مراسم حج خالی است: مکان الحجج الإيرانيین المشتاقین المخلصین خال هذه السنة فی مراسم الحج».

مترجم تحت تأثیر لهجه عامیانه قرار گرفته است. در لهجه عراقی برای جای خالی بودن کسی از عبارت «مکانه خالی» استفاده می‌کنند که معادل آن در عربی فصیح، افتقاد است: «مراسم الحج لعامنا هذا تفتقد للحجاج الإيرانيین المشتاقین المخلصین».

* «اکنون قریب یک سال از حوادث مُدَهش منا می‌گذرد: تمضی الیوم قرابة السنة علی أحداث منی المدهشة».

مترجم به اشتباه واژه «مدهش» را که در فارسی به معنی «وحشتناک» به کار رفته، «المدهشة» ترجمه نموده‌است، در حالی که معادل دقیق آن، «المریعة» می‌باشد: «یعضی الیوم نحو عام علی أحداث منی المریعة».

ح) بسط خلاقه: یا تغییرات ظریف و زیبایی که مترجم مطابق ذوق و پسند خود به وجود می‌آورد. مترجم ممکن است سبکی را برگزیند که «برای او طبیعی‌تر است، یا میل او را اقناع می‌کند» (Garcés, 1994: 83). گارسس این شیوه را منفی تلقی می‌کند. این مبحث ذیل ترجمه برتر از اصل می‌گنجد که بسیار نادر است. شاید نمونه آن در ایران، ترجمه حاجی بابای اصفهانی از میرزا حبیب اصفهانی باشد.

ط) پرگویی در برابر ساده‌گویی (Elaboration versus Simplification): پرگویی یا ترجمه آزاد، «آخرین چاره مترجم است» (همان: ۸۳). توری بدان شیوه "Paraphrase" می‌گوید و خاطر نشان می‌کند که همیشه مرز میان این پدیده، شامل بسط قابل ملاحظه متن اصلی می‌شود و افزایش عام مشخص نیست (ر.ک؛ همان). معمولاً در ترجمه متون بی‌نام و گمنام (Anonymous) و کم‌مایه که نویسنده‌ای مشهور و مهم ندارند یا نوشته‌هایی که پر از حذفیات و تلویحات جدی است، این روش به کار می‌رود (Newmark, 1988: 90)؛ مانند متن زیر که گفتیم مترجم به دلیل پابندی به متن مبدأ، ترجمه‌ای نارسا ارائه داده‌است و باید توضیحی بیشتر می‌داد:

* «در این فریضة بی‌نظیر، امنیّت زمان و مکان، همچون نشانه‌ای آشکار و ستاره‌ای درخشان، دل انسان‌ها را آرامش می‌بخشد: فی هذه الفریضة المنقطعة النظیر، یطمئنُ أمنُ الزّمانِ و المکانِ قلوبَ الناسِ کعلامةٍ بیّنةٍ و نجمٍ لامعٍ».

«فی هذه الفريضة الفريضة، يبعث الأمن المتمثل في الزمان (موسم الحج) والمكان (الأرض المقدسة) الطمئينة في قلوب الناس، كالعلاوات الواضحة والنجوم الساطعة (التي تبعث السكينة في قلوب الذين يهتدون بها في الليل)».

(ی) تغییر در کاربرد صنایع بدیعی: با توجه خاص به استعاره، مترجم باید تشخیص دهد که چه تعداد استعاره را نگاه دارد، چه تعداد را حذف نماید و چه تعداد را تغییر دهد.

* «و میهمانان خدای رحمان را در روز عید در منا (...) قربانی کرده‌اند».

قربانی کردن برای حیوان است، ولی گوینده برای انسان به کار برده است تا اشاره‌ای باشد به اینکه در روزی که باید برای اجراس مناسک، حیوان قربانی شود، آل سعود حاجیان را به جای حیوانات قربانی نمودند. مترجم نتوانسته یا نخواسته این موضوع را در ترجمه منعکس نماید و واژه «قتلوا» را به جای «نحروا» به کار برده است: «و قتلوا ضیوف الله الرحمن فی یوم العید فی منی».

همه این فنون را می‌توان از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده تقسیم کرد که هر نوع ترجمه‌ای را در بر می‌گیرد:

- افزایش (Addition)

- مانس (حفظ) (Conservation)

- کاهش (Suppression)

در حیطه افزایش، فنونی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند، عبارتند از: تعریف، بسط، دستورگردانی، دگربینی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر در ساخت دورنی متن مبدأ بسط خلاقه و تفصیل (Elaboration). فنونی که در حوزه مانس (حفظ) اطلاعات می‌گنجد، عبارتند از: معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام ترجمه قرضی، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدأ. فنونی که کاهش را در بر می‌گیرند،

عبارتند از: کاهش، حذف، حذف بنمایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا بند، اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم (Garcés, 1994: 85).

نتیجه‌گیری

ما در این گفتار با استفاده از روش‌شناسی پیشنهادی، به ارائه کلی‌الگوهای معروف و کارآمد ارزیابی ترجمه در جهان پرداختیم. سپس با بررسی سطوح مختلف الگوی ارزیابی ترجمه ادبی گارسس و نیز مقایسه متن ترجمه‌شده پیام رهبر انقلاب به حجاج در سال ۱۳۹۵ شمسی، الگویی برای ارزیابی ترجمه متون به زبان عربی ارائه نمودیم. این روش‌شناسی، الگوی جدید و جامعی که بدان Polysystemic می‌گویند، برای ارزیابی ترجمه ادبی از دیدگاه علمی و ادبی به دست می‌دهد تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم، اعم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای مغرضانه، طرفدارانه، خام، ناپخته، نظری، غیرملموس، غیرمستدل و غیرمنطقی پرهیزد.

همچنین، پس از بررسی عناصر مختلف الگوی کارمن گارسس و تطبیق آن در فرایند ترجمه از فارسی به عربی مشخص گردید که تفاوت‌های فرهنگی موجود بین دو زبان عربی و فارسی و معادلیابی واژگانی بر اساس این اختلافات یکی از چالش‌های مهم در فرایند ترجمه می‌باشد. افزون بر این، موضوع اقتباس و معادلیابی واژگانی بر این اساس، قبض و بسط واژگان در زبان مقصد، به کار بردن واژگان عام در برابر خاص و برعکس و در پایان، رفع ابهام از متن ترجمه‌شده، مهم‌ترین موارد مطرح در زمینه ترجمه متون در سطح واژگانی می‌باشد. همچنین، مشخص شد که مترجم در ترجمه خود به لحاظ گفتمانی مشکلی نداشته‌است و بیشتر چالش‌ها در سطوح واژگانی، دستوری و در بعضی موارد، سبکی بوده‌است.

منابع

آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی، تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*. تهران: علمی و فرهنگی.

اشکوری، سید عدنان. (۱۳۹۰). *لغة الإعلام*. چ ۱. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
برمن، آنتوان. (۲۰۱۰م). *الترجمة و الحرف أو مقام البعد*. ترجمه عزّ الدین الخطابی. بیروت:
المنظمة العربية للترجمة.

بکار، یوسف حسین. (۲۰۰۱م / ۱۳۸۰). *الترجمة الأدبية (إشکالیات ومزالتق)*. بی‌جا: بی‌نا.
تجلی، غفار. (۱۳۶۹). «ارزش کاربردی اصول و مبانی ترجمه». ترجمه و اقتباس از ویلن
کومیساروف. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ش ۲. صص ۱۰۱-۱۱۳.
روشنفکر، کبری، هادی نظری منظم و احمد حیدری. (۱۳۹۲). «چالش‌های ترجمه‌پذیری
عناصر فرهنگی در رمان *اللصّ والکلاب نجیب محفوظ*؛ مقایسه دو ترجمه با تکیه بر
چارچوب نظری نیومارک». *مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب*. د ۳. ش
۸. صص ۱۳-۴۳.

صلح جو، علی. (۱۳۷۶). *بجشی در مبانی ترجمه (مجموعه مقالات درباره ترجمه زیر نظر
نصرت‌الله پورجوادی)*. چ ۴. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

طهماسبی، عدنان و سید علاء نقی زاده. (۱۳۹۰). *ورشته التعریب (کارگاه آموزشی ترجمه از
فارسی به عربی)*. چ ۱. تهران: دانشگاه تهران.

غلامی بروجی، نجمه. (۱۳۹۴). *بررسی مقابله‌ای ترجمه شمس‌الملوک مصاحب و رضا
رضایی از رمان غرور و تعصب بر اساس مدل گارسیس ۱۹۹۴*. پایان‌نامه کارشناسی
ارشد. مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی.

فرزانه، شهین. (۱۳۸۷). *ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا
اثر مارک تواین بر اساس مدل گارسیس (۱۹۹۴)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز:
دانشگاه شیراز.

فرکلان، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه
تحلیل گر، تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. چ ۱. تهران:
مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مبارکی، محسن و سیروان امین‌زاده. (۱۳۹۲). «نظریه و توانش ترجمه: اساس علمی و عملی مدل نظام‌مند آموزش ترجمه». *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*. مشهد: دانشگاه فردوسی.

محمدی، علی محمد. (۱۳۸۹). «تعامل فرهنگ، زبان، و ترجمه- رویکردی انسان‌شناختی: کاربردهای آموزشی و پژوهشی در مطالعات بین‌فرهنگی و بین‌زبانی». *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*. س ۴۲. ش ۳. صص ۸۱-۱۰۶.

معروف، یحیی. (۱۳۸۰). *فن ترجمه*. چ ۱. تهران: دانشگاه رازی و سمت.
نصیری، حافظ. (۱۳۹۰). *روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه‌شده از عربی به فارسی*. چ ۱. تهران: سمت.

نیومارک، بیتر. (۲۰۰۶م.). *الجامع فی الترجمة*. ترجمه حسن غزاله. بیروت: دار و مکتبه الهلال.

هاوس، جولیان. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر مطالعات زبان و ترجمه*. ترجمه علی بهرامی. چ ۱. تهران: رهنما.

Attaran, A. (2010). *Translation of news texts in Iranian websites: The case of tabnak (A critical discourse analytical approach)*. M.A. thesis. Tehran: Allameh Tabatabae'i University.

Garcés, Carmen Valero. (1994). "A methodological proposal for the assessment of translated literary works: A case study". *The Scarlet Letter by N. Hawthorne into Spanish Babel*. Vol 40. No 2. Pp.: 77-102.

Hatim, B. & Mason, I. (1990). *Discourse and the translator*. London and New York: Longman.

Newmark, Peter. (1988). *A textbook of translation*. New York: Prentice-Hall.

----- (1981). *Approaches of Translation*. England: Prentice Hall International (UK).

<http://arabic.khamenei.ir/news/1577.html>

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=34269>

<http://www.uah.es/es/estudios/profesor/M.-Carmen-Valero-Garces>